

فلسفه ذهن از دیدگاه جان سرل

آینده فلسفه، نقد شناخت‌گرایی، ذهن، مغز و برنامه

دکتر علی اکبر ضیائی

ضیائی، علی اکبر، ۱۳۴۳ -

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور : فلسفه ذهن از دیدگاه جان سرل: آینده فلسفه، نقد شناخت گرایان، ذهن، مغز و برنامه / علی اکبر ضیائی

مشخصات نشر : مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی): ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۰۴ ص. : مصور.

فروست : به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی): ۱۵۶۸.

شابک : 978-02-1983-6

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : آینده فلسفه، نقد شناخت گرایان، ذهن، مغز و برنامه

موضوع : سرل، جان آر. - ۱۹۳۲ - م. نظریه درباره فلسفه ذهن

موضوع : فلسفه ذهن

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

۱۳۹۲ ف ۸ ض ۹ BD ۴۱۸/۳

۱۲۸/۲

۳۳۱۵۵۰۴ ملی



بهنشر

۱۵۶۸

فلسفه ذهن از دیدگاه جان سرل

آینده فلسفه، نقد شناخت گرایان، ذهن، مغز و برنامه

دکتر علی اکبر ضیائی

ویراسته هادی میر

چاپ اول / ۳۹۲

۱۰۰۰ نسخه / رقعی

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شابک : ۹۷۸-۰۲-۱۹۸۳-۶

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، ص.ب. ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹

تلفن ۰۵۱-۷۶۲۵۰۱۳، نمابر ۷۶۵۲۰۰۶

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۲۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، نمابر ۸۸۹۶۵۹۸۲

آدرس اینترنتی: www.behnashr.com پست الکترونیک: publishing@behnashr.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۱۱	 فصل اول: فلسفه دین و اندید از دیدگاه جان سرل
۱۱	 خلاصه مقاله
۱۳	 فلسفه و علم
۲۹	 عصر مابعد شک‌گرایی
۳۰	 ۱- مسأله سستی بدن و ذهن
۴۰	 دیدگاه جان سرل درباره بدن و ذهن
۵۰	 ۲- فلسفه ذهن و علم شناخت
۶۶	 ۳- فلسفه زبان
۷۱	 ۴- فلسفه جامعه (The Philosophy of Society)
۷۵	 ۵- اخلاق و دلیل عملی
۷۷	 ۶- فلسفه علم (The philosophy of Science)
۸۴	 نتیجه‌گیری
	 منابع

۸۲	 فصل دوم: دیدگاه جان سرل درباره مدل محاسبه‌گرایانه مغز
۸۷	 (نقد شناخت‌گرایی (cognitivism)
۸۷	 مقدمه
۸۸	 مقدمه، هوش مصنوعی قوی، هوش مصنوعی ضعیف و شناخت‌گرایی

- تعریف محاسبه گرایی ۱۰۳
- دومین مشکل: سفسطه آدم کوتوله یک مشکل عمومی در شناخت گرایی
است ۱۱۵
- سومین مشکل: نحو دارای قدرت سببی یا علی نیست ۱۲۰
- چهارمین مشکل: مغز نمی تواند پردازش اطلاعات را انجام دهد ۱۳۵
- خلاصه بحث ۱۳۹
- منابع ۱۴۰
- فصل سوم: مغز، ذهن و برنامه از دیدگاه جان سرل ۱۴۳
- خلاصه ۱۴۳
- منابع ۱۹۷

این کتاب را تقدیم می‌کنم به
همسر فداکارم، زهرا کدخدای مزرعی

مقدمه

پدید آمدن ای جان سرل - از فلاسفه معاصر آمریکا - درباره نقد شناخت رایج و فلسفه رایانه‌ای عملیات مغز و هوش مصنوعی قوی، همواره در میان دانشمندان علوم رایانه‌ای جهان مطرح بوده و از طرف هواداران هوش مصنوعی و خنهای متعددی به آنها داده شده است. مباحث فلسفی جان سرل که فلاسفی نیست و با علوم جدید عصب زیستی، روان‌شناسی، علوم رایانه‌ای و فلسفه ذهن، رابطه نزدیک دارد. فلسفه ذهن جان سرل تا حد زیادی از فلسفه ذهن، بویژه نظریه اعمال گفتاری^۱ وی متأثر بوده است. موضوع جنبه انسانی حالت‌های ذهنی، مانند ادراک حسی و عمل و رابطه حیث التفاتی زبان و ذهن، در مباحث مهمی هستند که وی در کتابها و مقاله‌های متعددی به آنها پرداخته است. وی به صورت گسترده‌ای علم شناختی و فلسفه رایانه‌ای ذهن را نقد کرده است. در آثار جان سرل و از جمله کتاب حاضر، ذهن و بدن یا مغز و ذهن یا روح و جسم و کیفیت ارتباط آنها با یکدیگر بررسی شده است. از نظر وی، حالات ذهنی از تفکرات فلسفی ناب تا سیستم آوارش انسان، به وسیله فرایندهای عصب زیستی مغز به وجود آمده‌اند. باور وی، آگاهی و حیث التفاتی، ویژگی بالاتر مغز می‌باشند و نمی‌توان آن را ویژگی هر یک از نورونهای سیستم عصبی انسان دانست. این‌که کدام فرایند مغزی سبب شده است تا حالات ذهنی شکل گیرند، امری تجربی است و کشف آن وظیفه فیلسوف ذهن نیست. وی رفتارگرایی را که

1. Theory of speech acts.

توجیه‌کننده شناخت اذهان دیگر براساس تشابه رفتار، بویژه رفتار کلامی بین ما به عنوان مشاهده‌کننده و دیگران می‌باشد، نقد کرده و معتقد است ساختار علی مشابه، مستلزم روابط علی و معلولی مشابه است.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نقد فلسفی جان سرل، نقد علم‌شناختی است که در این کتاب به طور مشروح درباره آن سخن گفته‌ایم. این اشتباه علم‌شناختی که ذهن یک برنامه رایانه‌ای است و یا رابطه ذهن به مغز همچون رابطه برنامه به سخت‌افزار است، توسط جان سرل بویژه با تمثیل وی در اتاق چینی، نقد شده است. تقسیم‌بندی هوش مصنوعی به قوی و ضعیف، از جمله ابتکارهای جان سرل در نقد علم‌شناختی به شمار می‌آید. این که برنامه به صورت نحوی و علایم شکلی تعریف شده و به خودی خود دارای معناشناختی نیست، مهم‌ترین دلیل جان سرل در محاکمات وی است. هوش مصنوعی قوی می‌باشد؛ زیرا وی اثبات کرده که ذهن دارای محتوای کیفی یا معناشناختی است و علایم شکلی یا نحوی در ذهن به عنوان ابزار مستقل از معناشناختی، کاربردی ندارند.

از میان استدلال‌هایی که جان سرل در آثارش منتشر کرده، تمثیل اتاق چینی وی، پررنگ‌ترین روش مصنوعی از همه قوی‌تر بوده است. البته برخی طرفداران هوش مصنوعی قوی در رشته‌های علوم رایانه‌ای و روانیات، پاسخهای متعددی به این تمثیل داده‌اند، اما جان سرل همه آنها را در مقاله «مغز، ذهن و برنامه» رد کرده است. وی با رجوع به تعریف اصلی رایانه، پردازش اطلاعات، محاسبه‌گری، عملیات محاسبه‌گرایی، ماشین و برنامه، تلاش کرده است میان حالات ذهنی انسان و محاسبات عددی یا الگوریتمی ذهن انسان و محاسبات الگوریتمی و پردازش اطلاعات به وسیله رایانه‌ها تفکیک قایل شود؛ به گونه‌ای که ایجاد آگاهی و جنبه التفاتی حیاتی ذهنی را همچون پردازش اطلاعات رایانه‌ها ندانسته و بدین ترتیب، هوش مصنوعی قوی را نفی کند.

وی هیچ‌گاه ادعا نکرده است که تنها مغز می‌تواند دارای آگاهی یا جنبه التفاتی باشد؛ بلکه می‌گوید: «با شبیه‌سازی عملیات ذهنی در رایانه‌ها و جابه‌جایی علایم شکلی، نمی‌توان به آن حالات دست یافت» او معتقد است انسان تاکنون از نظر تجربی کشف نکرده است که کدام ویژگی در

مغز انسان دقیقاً سبب شده تا حالت ذهنی ایجاد گردد. ولی به نظر وی، اگر علوم تجربی علت اصلی را کشف نماید، در آن صورت با ایجاد آن علت در هر چیزی جز مغز انسان، می‌توان به معلول آن، یعنی حالت آگاهی دست یافت و این یک امر بدیهی است.

بنابراین، اگر کسی ادعا کند در آینده ممکن است با کشف عوامل اصلی ایجادکننده حالت‌های ذهنی و التفاتی در هر چیزی، این آگاهی انسان به وجود آید، جان سرل با این ادعا مخالفتی نمی‌کند، اما می‌گوید این هوش مصنوعی قوی با چنین ویژگی‌هایی از جمله نحوی و شکلی بودن، می‌تواند سبب حالت‌های التفاتی ذهن گردد؛ زیرا این حالت‌ها غیر نحوی هستند و این امر به اثبات رسیده است.

بنابراین، نظر فلسفی و تجربی، ایجاد آگاهی و حیث التفاتی در دستگاه‌های طبیعی و مصنوعی امکان‌پذیر است؛ به شرطی که دقیقاً علت اصلی آنها را کشف نماییم و با ایجاد علت، معلول را به دست آوریم. جان سرل پس از تمثیل اتاق چینی، استدلال دیگری را نیز مطرح کرده است که به نظر وی از استدلال نخست مهم‌تر و قوی‌تر می‌باشد. او می‌گوید هر سیستم دارای یک ویژگی ذاتی و یک ویژگی حیث التفاتی است. ویژگی ذاتی با ذهنیت ما ارتباطی ندارد، اما حیث التفاتی، امری مرتبط با انسان است.

ترکیب چیزی از مولکول‌ها، یک ویژگی ذاتی است، اما جنبه کاربردی آن جنبه حیث التفاتی است که به ما اجازه می‌دهد که در مورد محاسبه نیز دو جنبه تعریف‌پذیر است. یک جنبه ذاتی آن، که همان محاسبه مثلاً ۲ به علاوه ۳ توسط من و به دست آوردن عدد ۵ است. این واقعیتی ذاتی درباره محاسبه من است. اما برای عمل اضافه به وسیله ماشین افزایشگر یا رایانه انجام شود، در آن صورت در واقعیت ذاتی با نوسانات الکتریکی مختلفی روبرو هستیم که این مشاهده‌کننده‌ای نباشد، حقیقتی جز آن سطوح الکتریکی وجود نخواهد داشت. اما وقتی مشاهده‌کننده یک سطح از ولتاژ را علامت عدد ۲ و سطحی دیگر را ۳ و در سطوح دیگر در اثر یکسری عملیات، عدد ۵ در نظر می‌گیرد، این نتیجه با مشاهده‌کننده و حیث التفاتی مرتبط خواهد بود، نه یک واقعیت ذاتی. اما این که چیزی، یک رایانه

است و بر روی صفحه نمایشگر، علایم و شکل‌هایی به عنوان یکسری جملات و پاسخهای منسجم شکل می‌گیرند، همگی مربوط به مشاهده‌کننده می‌باشد و ویژگی ذاتی رایانه نیست.

بنابراین، رایانه به خودی خود و بدون در نظر گرفتن مشاهده‌کننده، یکسری علایم بی‌معنا خواهد بود و این امر، ادعای دیجیتالی بودن رایانه‌ای مغز را نفی می‌کند. به این معنی که عملیات محاسباتی مغز، ویژگی ذاتی انسان است، اما عملیات محاسبه‌گر رایانه رایانه، امری غیر ذاتی می‌باشد؛ بنابراین، هیچ شباهتی بین دو نوع محاسبه وجود ندارد و به همین دلیل، محاسبات عددی ذهن را نمی‌توان همچون رایانه‌ها دانست. این استدلال غیر از اتاق چینی است. اتاق چینی نشان داد که شناختن برای نحو، امری ذاتی نیست، ولی این استدلال نشان می‌دهد که خودی فیزیک، ذاتی نیست.

یکی از محورهای فلسفه ذهن جان سرل، بحث آگاهی و ناآگاهی و رابطه آن دو با یکدیگر است. به عقیده وی، همه مفاهیم ذهنی مانند حیث التفاتی، علیت ذهنی و درونی بودن بر حسب فرایندهای ذهنی، از جمله دانسته می‌شوند و در شرایطی خاص، بسیاری از حالات ذهنی مانند آگاهی، حافظه‌ها و میلها ناآگاهانه می‌باشند. حالت ذهنی ناآگاه با یک سنخ حالت ذهنی آگاه باشد تا بتوان در شرایط خاصی آن را به آگاهانه تبدیل کرد. جان سرل این رابطه بین آگاهی و ناآگاهی را اصل پیوندی می‌داند.

یکی از مباحث عمده فلسفه ذهن جان سرل، مبحث حیث التفاتی است. دیدگاه‌های وی در زمینه حیث التفاتی با دیدگاه دیگر فلاسفه ذهن، تفاوت دارند. فلسفه ذهن جان سرل همچون دیدگاه پیاپی است. در حال حاضر، وی درباره ویژگیهای اجتماعی بسیاری از پدیده‌های ذهنی و نقش ذهن در ایجاد واقعیت‌های اجتماعی، مانند پسر ردمچ، دلالت و دیگر نهادها به تحقیق می‌پردازد. به نظر جان سرل، پدیدارهای ذهنی به اندازه پدیدارهای زیستی، مانند گوارش، فتوسنتز و دیگر موارد مشابه، دارای واقعیت عصب‌زیستی هستند.

این نوع پدیدارها به دلیل ماهیت عصب‌زیستی خود، قابل تحویل به

رفتار یا برنامه رایانه‌ای نمی‌باشند. به نظر جان سرل، دو پدیده واقعی در مغز انسان وجود دارد؛ یکی آگاهی که قائم به شناسنده اول شخص است و دیگری، پدیدارهای عصب‌زیستی سوم شخص. حالات ذهنی ناآگاه این استعداد را دارند که در شرایط خاصی به حالات ذهنی آگاهانه تبدیل شوند. بنابراین، بر اساس دیدگاه وی، این گونه حالات بالقوه وجود دارند و در شرایط خاصی بالفعل می‌گردند و علم‌شناختی به اشتباه، حالات بالقوه را با بالفعل خلط نموده که جان سرل در آثار خود به آنها اشاره کرده است. کتاب حاضر، بخشی از دیدگاه‌های جان سرل درباره آینده فلسفه در قرن بیستم و نقد شناخت‌گرایی و هوش مصنوعی قوی است.

دکتر علی اکبر ضیائی